



فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه و الاهیات
سال هفدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱

The Quarterly Journal of Philosophy & Theology
Vol. 17, No. 2, Summer, 2012

متکلمان ناشناخته امامی بغداد از غیبت صغری تا دوران شیخ مفید

سید اکبر موسوی تنیانی*

چکیده

مدرسه کوفه و بغداد را می‌توان دوران اوج شکوفایی و درخشندگی کلام امامیه در سده‌های نخستین به شمار آورد؛ اما در فاصله زمانی میان مدرسه کوفه و بغداد (آستانه غیبت صغری تا عصر شیخ مفید) به دلیل نامناسب بودن پاره‌ای از شرایط، کلام امامیه تمرکز جغرافیایی لازم را نداشته است. نوشتار پیش‌رو درصدد است با معرفی متکلمان امامی این عصر و بیان دیدگاه‌ها و تلاش‌های علمی و تولیدات کلامی آنان، نشان دهد که شخصیت‌های برجسته کلامی در این دوره حضور داشته و تأثیرگذار هم بوده‌اند، مانند تأثیرگذاری شگرف ابن جبرویه امامی بر تغییر عقیده و مسلک ابن مملک جرجانی معتزلی. این دیدگاه در مقابل نظر کسانی است که به فقدان متکلمان امامیه در این محدوده تاریخی باور دارند.

کلیدواژه‌ها

کلام امامیه، مدرسه کوفه و بغداد، ابن جبرویه، ابن مملک.

* پژوهشگر پژوهشکده کلام اهل بیت: (پژوهشگاه قرآن و حدیث) tanyani_110@yahoo.com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۳/۱۵ تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۰۵/۲۸



۶۰

فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه و الاهیات
سال هفدهم، شماره ۶۶، تابستان ۱۳۹۱

مقدمه

کلام امامیه در قرن دوم از پویایی و شکوفایی ویژه‌ای برخوردار بوده است. در آن زمان متکلمان پرورش یافته در دامان امامان معصوم : با بهره‌گیری از بیانات آنان به تبیین و نظریه‌پردازی در عرصه اعتقادات روی آوردند. عمده این افراد در عراق به ویژه در کوفه می‌زیستند و در آن سامان پیرامون موضوعات گوناگون کلامی مطرح در محیط اسلامی با دیگر جریان‌ها مخالف به بحث و گفت‌وگو می‌پرداختند. از همین رو، علی‌رغم جمعیت اندک، محصولات ممتازی در عرصه کلام تولید کردند که به لحاظ کمی و کیفی قابل ملاحظه بوده است. این روند در تاریخ کلام امامیه به گونه‌ای کم رنگ‌تر حتی تا سال‌های آغازین قرن سوم با فعالیت متکلمانی چون هشام بن حکم و یونس بن عبدالرحمن و فضل بن شاذان نیز ادامه یافت، ولی به تدریج تا آستانه غیبت صغری، مدرسه کلامی کوفه مرکزیت خود را از دست داد. در این نوشتار در پی اثبات این نظر هستیم که هرچند کلام امامیه در کوفه مرکزیت علمی خویش را از دست داد، اما همچنان متکلمان امامی در عرصه دانش کلام فعال بوده‌اند. عراق - به ویژه بغداد - به عنوان یکی از مهمترین اماکن شیعی در جهان اسلام در این بازه زمانی تا ظهور شیخ مفید متکلمانی در خود جای داده بود. از این رو، در مباحث مختلف کلامی آثار قابل توجهی را ارائه کرده‌اند و این روند تا اوج شکوفایی کلام بغداد با محوریت شیخ مفید ادامه داشته است.

البته کلام امامیه در این دوران میانی مانند مدرسه قبلی کوفه و یا مدرسه بعدی بغداد پر آوازه نبوده است. احتمالاً این امر از مناسب نبودن شرایط سیاسی و در پی آن دوری‌گزیدن متکلمان از رویارویی با دیگر اندیشمندان گروه‌های رقیب و نیز از پراکندگی جغرافیایی برخی از متکلمان و عدم مرکزیت مدرسه کلامی سرچشمه گرفته است. با این همه، بر این باوریم که کلام امامیه در این بازه زمانی بی‌رمق نبوده بلکه متکلمان این دوره نقش بسزایی در انتقال میراث کلامی از مدرسه پر آوازه کوفه به مدرسه بغداد داشته‌اند. این دیدگاه در مقابل نظریه عده‌ای از پژوهشگران است که معتقدند کلام امامیه پس از افول مدرسه کلامی کوفه در نیمه اول سده سوم در موضع انفعال قرار گرفت و نیز کسانی که حضور متکلمان امامی تا قبل از مدرسه کلامی بغداد (عصر شیخ مفید) را نادیده می‌گیرند.

در مقاله پیش‌رو برآنیم که با معرفی متکلمان ناشناخته این دوره و شناسایی آثار، افکار و اندیشه و نیز ارتباطات آنها نشان دهیم که نه تنها کلام امامیه متوقف نبوده، بلکه متکلمان امامی حضور جدی داشته‌اند. توجه به این نکته ضروری است که در نوشتار حاضر تنها به متکلمان ناشناخته عراق به ویژه بغداد - به جز ابوسهل و ابو محمد نوبختی - پرداخته می‌شود.





شاخصه‌های متکلم

واژه کلام یکی از پرکاربردترین واژگان در محیط علمی مسلمانان بوده است. پیرامون معنا و وجه تسمیه و نیز چگونگی اطلاقش بر دانش کلام سخن بسیار گفته‌اند، ولی آنچه که از مجموع قرائن و شواهد به دست می‌آید این است که استعمال واژه کلام بر علم کلام به وضع تعیینی نبوده بلکه اساساً به وضع تعینی بوده است. در آغاز لفظ کلام بر خطابه (فقام و تکلم) به کار می‌رفته و از آنجا که دانش کلام با مجادلات علمی شروع می‌شد، از این‌رو اندک اندک معنای آن واژه به معنای خاص‌تری که علم کلام باشد منتهی گردید و تقریباً از اوایل سده دوم این اصطلاح در کنار دیگر اصطلاحات در محافل علمی جای باز کرد و شکل‌گیری طیف متکلمان یا اصحاب الکلام در کنار طیف‌هایی چون محدثان و فقیهان را باید در این دوره در نظر بگیریم.

در این دوره ماهیت و کارکرد اصلی و روش دانش کلام جنبه تدافعی داشته و وظیفه متکلم علاوه بر فهم و استنباط گزاره‌های دینی، حل شبهات و تبیین و دفاع از مبانی دینی و نقد مخالفان بوده است. از سده سوم به بعد متکلمان به دلیل خودبستگی عقل، نظر و استدلال را به عنوان پایه اصلی کلام پذیرفتند. همچنین کلام در ابتدا موضوعی عام داشته و مباحث فروع و اصول را در بر می‌گرفته است و متکلم در هر دو وادی اظهار نظر می‌کرد، ولی در قرون بعدی به دلیل توسعه و ادبیات کلامی به تدریج مسائل اعتقادی موضوع علم کلام قرار گرفت و فروع به حاشیه رانده شد و علم فقه نیز در احکام شرعی متمرکز شد. به عبارت دیگر، تمرکز کار متکلمان بر روی «واجب العقل» و تمرکز کار فقیهان بر روی «واجب السمع» (تعبدیات) قرار گرفت. متکلم به متون دینی فقط از منظر اجتهادی و فهم نمی‌نگرد، بلکه فراتر از آن به دنبال حل شبهات و دفاع و تبیین و معاصر سازی است هر چند در برخی موارد حساسیت‌ها و تأکیدها پیرامون موضوعی کم یا زیاد شده و یا بعضی از ابزارهای کلامی قوی‌تر شده است.

از این‌رو، برای شناخت متکلم در اعصار گذشته باید تعریف کلام در آن دوران مورد نظر قرار گیرد و با شاخص‌های آن زمان متکلم معرفی شود. بنابراین، کسانی که اهل مناظره و جدل بودند و یا در موضوعات مختلف عقیدتی و یا در برابر اندیشه دیگران آثاری را تألیف کرده‌اند و یا با تعابیری چون متکلم، بصیر بالاصول، معتزلی، خبره بالکلام والجدل یاد شده‌اند در زمره متکلمان جای دارند (نک: درس‌گفتارهای دکتر محمد تقی سبحانی).

در نوشتار پیش‌رو، متکلمان این بازه زمانی طبق رویکردهای کلامی‌شان به دو گروه متکلمان و متکلم-محدثان تقسیم‌بندی شده‌اند. متکلمان محدث در تبیین مبانی عقیدتی تنها

در دایره روایات و احادیث نظریه پردازی می کردند، در حالی که متکلمان می کوشیدند با ادبیات بیرون متنی به تبیین مبانی اعتقادی بپردازند.

متکلمان

۱. ابو محمد عسکری

ثبیت بن محمد عسکری متکلم امامی و از دانشوران ساکن عسکر (ظاهراً عسکر بغداد) است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۱۷). از زندگی و افکارش گزارش چندانی در منابع و مآخذ موجود نیست. عسکری با ابوعیسی و راق (ق ۳) اندیشمند نقاد و پرحاشیه شیعه شد. مصاحبت و حشر و نشر داشته است به گونه ای که وی را «صاحب ابوعیسی» معرفی می کنند (همان) او علاوه بر وراق از ابوالاحوص مصری متکلم امامیه نیز بهره برده است و از طریق ابوالاحوص روایتی در اثبات حقانیت امام علی ۷ نقل می کند (صدوق، ۱۴۱۷: ۷۱۶ و همو، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۴۵).

نجاشی از او با عبارت «متکلم حاذق» یاد کند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۱۷). عسکری افزون بر علم کلام در دانش فقه و حدیث نیز متبحر بوده است (همان).

از میان فهرست نگاران شیعه، طوسی از آثار عسکری نامی به میان نمی آورد، تنها نجاشی تعداد چهار کتاب از تألیفات وی را ذکر می کند؛ دو اثر از آنها عنوان کلامی دارند که عبارتند از: ۱. نقض العثمانیه که ردی بر کتاب العثمانیه جاحظ (م ۲۵۵ق) از متکلمان برجسته معتزلی است که این کتاب به نام ابوعیسی و راق مشهور بود. از این رو، مسعودی این اثر را از آثار وراق دانسته است (مسعودی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۲۳۷). درباره این شهرت دو احتمال وجود دارد: یکی آن که اساس محتوای این کتاب از آن وراق بوده و تنها ثبیت بن محمد سخنان نقد آمیز وراق را به رشته تحریر در آورده است؛ دوم آن که ثبیت بن محمد با بهره گیری از برخی از نظرات وراق به نگارش این اثر دست یازیده است. به هر روی، می توان گفت او تحت تأثیر وراق بوده است. ۲. کتاب دلایل الائمه (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۱۷).

۲. ابن جبرویه

عبد الرحمن بن احمد بن جبرویه عسکری، متکلم و مناظر متقدم امامی است که از حیات شخصی و علمی وی اطلاع زیادی در منابع یافت نمی شود. نجاشی او را با عنوان متکلم «جید الکلام» وصف می کند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۳۶). ابن جبرویه با عباد بن سلیمان معتزلی - از شاگردان هشام فوطی - و همچنین با دیگر دانشمندان معتزله مباحثات کلامی داشته است (همان). با استدلال های قوی وی، ابن مملک جرجانی متکلم معتزلی و نویسنده کتاب





مجالسه مع ابو علی الجبایی (همان: ۳۸۱) از اندیشه اعتزال دست برداشته و به امامیه گرایش پیدا کرد (همان، ۲۳۶) همه این مطالب از قدرت علمی و دانش گسترده او حکایت دارد. در این میان باید افزود که با توجه به حیات ابن مملک احتمال می‌رود او در دهه‌های نخستین غیبت صغری در عراق می‌زیسته است.

از افکار این اندیشمند اطلاعات چندانی نداریم، تنها اشعری در مسئله ایمان وقتی نظرات صاحب نظران شیعه را در قالب سه گروه بیان می‌کند نظر ابن جبرویه را در مقابل سخنان دو طیف دیگر یعنی اکثریت امامیه و علی بن اسماعیل میثمی این گونه ذکر می‌کند: «او ایمان را به همه طاعات و کفر را به همه معاصی تعریف کرده و مسئله وعید را نیز پذیرفته است و به نظر وی تأویل گریانی که با تأویل خویش با حق مخالفت می‌ورزند از کفار محسوب می‌شوند» (اشعری، ۱۴۰۰: ۵۴). این نظریه ابن جبرویه در عصر اشعری (م ۳۳۰ق) طرفدارانی نیز داشته است (همان). ابن جبرویه کتاب‌هایی را ظاهراً در مباحث کلامی نگاشته بوده است. تنها کتاب الکامل فی الامامة وی به دست نجاشی رسیده است. از این روست نجاشی او را به «حسن التصنیف» وصف می‌نماید (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۱۷).

۳. ابن ابی عقیل عمانی

حسن بن علی حذاء - متکلم، فقیه فرهیخته و موثق امامی - که نزد دانشوران شیعی به ابن ابی عقیل مشهور است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۸). در انتساب عَمَّانِی یا عُمَّانِی به او تردید وجود دارد (تستری، ۱۴۱۹: ج ۱۲: ۶۰). طوسی در دو جای فهرست خویش، نام پدر ایشان را عیسی و کنیه‌اش را ابوعلی ثبت کرده است (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۰۶ و ۲۸۳). از تاریخ ولادت و وفات و نیز محل زندگی و مشایخ ابن ابی عقیل اطلاعی در دست نیست از آن جهت که جعفر بن محمد بن قولویه (م ۳۶۸) از او نقل می‌کند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۸) می‌توان گفت: او در اوایل غیبت کبری، احتمالاً در عراق زندگی می‌کرده است. ابن ابی عقیل از جایگاه برجسته‌ای در میان بزرگان شیعه از جمله شیخ مفید برخوردار بوده است. مفید همواره او را مورد ستایش قرار می‌داد و کتاب الکر والفر او را در امامت که یک اثر عقیدتی بود از نظر دور نگاه نمی‌داشت (همان). در دوره‌های بعدی، ابن ادریس حلی (م ۵۹۸) نیز از دانسته‌های کلامی و فقهی او تقدیر کرده است (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۱: ۴۲۹ و ۴۴۴، ج ۲: ۲۵۵). از اندیشه‌های کلامی ابن ابی عقیل با همه اهمیتش چیزی در مآخذ یافت نمی‌شود. ابن ابی عقیل در دانش فقه دارای مکتب و صاحب نظر بوده و از این رو مورد توجه جامعه امامیه قرار داشته است. به گونه‌ای که کتاب فقهی المتمسک بحبل آک الرسول وی در نقاط دوردستی مانند خراسان با اقبال گسترده روبرو بوده است

(نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۸). او نخستین فقیه شیعه است که علم فقه را پرورش داد و از روش اجتهاد کمک گرفت و فروع فقهی را از اصول استخراج کرد (بحرالعلوم، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۱۱). هر چند ابن ابی عقیل آثاری در زمینه‌های مختلف از خود برجای گذاشت، ولی فهرست‌نگاران بیشتر از دو کتاب المتمسک بحبل آل الرسول در فقه و الکر والفر در کلام یاد کرده‌اند (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۰۷؛ نجاشی ۱۴۰۷: ۴۸). نجاشی کتاب اخیر را که در آن مسائل مرتبط با امامت به شیوه جدلی مطرح شده بود را بر استادش شیخ مفید قرائت کرده است (همان).

۴. ابن فلاس

از نام و زمان تولد و مرگ ابوبکر بن فلاس چیزی دانسته نیست. تنها تنوخی (م ۳۸۴ق) به واسطه پدرش از قول علی بن نظیف از متکلمان بهشمی او را به عنوان شیخ امامیه و شخصی پاک سرشت معرفی می‌کند (تنوخی، ۱۳۹۳، ج ۸: ۷۰). او در مجالس علمی بغداد با ابن نظیف بهشمی ارتباط داشته است (همان). ابن فلاس با برخی از گروه‌های شیعه که قائل به مسئله تناسخ بودند نیز درگیر بود و با آنان به مناظره می‌پرداخت (همان). با توجه به حضور علمی وی در محافل علمی بغداد و ارتباط با متکلمان و نیز بحث در پاره‌ای از موضوعات عقیدتی به نظر می‌رسد او در زمره متکلمان امامی قرار داشته است. حشر و نشر ابن فلاس با علی بن نظیف بهشمی از ارتباط وی با اندیشمندان معتزله حکایت دارد. از آثار و اندیشه کلامی او چیز زیادی در دست نیست.

۵. ابن جنید اسکافی

محمد بن احمد بن جنید - متکلم و فقیه امامی - که در شهر بغداد سکونت داشته است (مفید، ۱۴۱۴(د): ۵۸). از تولد و وفات ابن جنید گزارشی در دست نیست، ولی با نگاه به زندگی برخی از مشایخش مانند حمید بن زیاد نینوایی (م ۳۱۰) و زمان ورود وی به شهر نیشابور در سال ۳۴۰ق و نیز حیات شاگردانش چون شیخ مفید (م ۴۱۳) زندگی او را می‌توان اواخر سده سوم تا مدتی پس از نیمه دوم سده چهارم برشمرد. البته برخی به اشتباه وفات او را سال ۳۸۱ق و در ری ثبت کرده‌اند (اردبیلی، بی‌تا، ج ۲: ۵۹) که به نظر می‌رسد با تاریخ و محل فوت شیخ صدوق خلط شده است.

از اساتید ابن جنید می‌توان به احمد بن محمد عاصمی اشاره کرد. شیخ مفید و غضایری از شاگردان شناخته شده وی به شمار می‌روند (زنجانی، ۱۳۹۴، ج ۲: ۶۶۸). مفید بیش از دیگران به او نزدیک بوده است و در این باره می‌نویسد: «... با هم در یک شهر همسایه بودیم و از بیشتر





رفتارها و امور پنهانی اش باخبر بوده‌ام...» (مفید، ۱۴۱۴: ۵۷).

ابن جنید در سال ۳۴۰ از بغداد رهسپار شهر نیشابور شد و با استقبال گرم شیعیان آن دیار مواجه گردید و با بعضی از حنفیان ساکن آن شهر نیز بحث‌هایی داشته و نیز از برخی زیدیان آن‌جا حدیث شنیده است (همان: ۵۶؛ طوسی، بی‌تا: ۲۵۹).

ابن جنید در دانش‌هایی چون کلام، فقه و حدیث مهارت و تبحر داشته است، ولی نظرات فقهی وی بیش از هر چیز مطرح شد که نگاه ویژه فقهی وی در زمان حیاتش هوادارانی پیدا کرد (مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۲۹). با این همه، آراء فقهی ابن جنید از سوی حدیث‌گرایانی چون صدوق و فقیهان عقل‌گرایی مانند سید مرتضی مورد نقد قرار گرفته است (طوسی، بی‌تا: ۲۵۹؛ مرتضی، ۱۴۱۵: ۲۱۰، ۲۱۵، ۴۷۰).

افکار ابن جنید در رابطه با مسائل علم کلام برخلاف بحث‌های فقهی وی در منابع شیعی زیاد انعکاس نیافته است. با این وجود می‌توان برخی از رویکردهای اعتقادی وی را در لابه‌لای متون یافت. او برخی از سخنان ائمه را از باب اجتهاد و رأی آنان می‌پذیرفت و اختلاف روایات را حاصل اجتهاد امامان می‌دانست (مفید، ۱۴۱۴: ج ۱: ۷۵). نقل شده که ابن جنید مانند ابوحنیفه به قیاس عمل می‌کرده، از این رو مورد اعتراض شیخ مفید با نگارش کتاب النقض علی ابن جنید فی اجتهاد الرأی قرار گرفته است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۲). نجاشی نیز او را در زمره معتقدان به قاعده قیاس بر می‌شمارد (همان: ۳۸۸). گفته شده جمع قابل توجهی از پیشینیان امامیه مانند یونس بن عبدالرحمن و فضل بن شاذان به قیاس علاقه‌مند بودند (صدوق، بی‌تا، ج ۴: ۲۷۰؛ مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۳: ۳۱۱) ولی پذیرش این مسئله از سوی ایشان سبب شد که عالمان بعدی شیعه به بسیاری از آثار وی تمایل نشان ندهند و از آنها روی گردان شوند (طوسی، ۱۴۱۷: ۲۰۹).

ابن جنید آثار بسیاری در موضوعات مختلف نگاشته است که آثار کلامی اش برخلاف تألیفات فقهی اش مورد توجه قرار نگرفت و از این رو امروزه اثری از آنها در دست نیست.

آثار کلامی وی عبارتند از: ۱. خلاص المبتدئین من حیرة المجادلین؛ ۲. ازالة الران عن قلوب الاخوان فی الغیبه؛ ۳. ایضاح خطأ من شنع علی الشیعه فی امر القرآن؛ ۴. الانتصاف من روی الانحراف عن مذهب الاشراف فی موارث الاخلاق؛ ۵. الشهب المحرقة للابالیس المسترقة، که این کتاب در رد ابوالقاسم ابن بقال بغدادی (م ۳۶۳ق) از متکلمین زیدیه نگاشته شده است (خطیب، ۱۴۱۷، ج ۱: ۴۵۸؛ ذهی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۶۲۳)؛ ۶. تنبیه الساهی بالعلم الالهی. ۷. الاسفار، در رد مرتدین؛ ۸. نقض ما نقضه الزجاجی النیشابوری علی ابی محمد الفضل بن شاذان، البته فهرست‌نگاران کتاب‌های دیگری نیز در زمره آثار کلامی وی برشمرده‌اند (طوسی، ۱۴۱۷: ۲۰۹؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۸۸؛ ابن شهر آشوب، بی‌تا: ۱۳۳).

۶. ناشی اصغر

علی بن عبدالله بن وصیف مشهور به ناشی اصغر، متکلم و شاعر معروف امامیه است. ناشی در سال ۲۷۱ق زاده و در سال ۳۶۶ق در بغداد درگذشت (ابن خلکان، بی تا، ج ۳: ۳۷۱) و در گورستان قریش به خاک سپرده شد.

ابوسهل نویختی متکلم امامیه (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۲۶: ۳۴۳) و همچنین میرد و ابن معتز از ادیبان بزرگ آن روزگار، از اساتید مشهور وی به شمار می‌روند (ابن حجر، ۱۳۹۰، ج ۴: ۲۳۸). از میان شیعیان، شیخ مفید (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۷۱) و از اهل تسنن کسانی همچون ابوبکر بن زرعه او را درک کرده و از او بهره برده‌اند (ابن حجر، ۱۳۹۰، ج ۴: ۲۳۸).

ناشی در علم کلام صاحب نظر بوده است، به گونه‌ای که از او به «متکلم بارع» نام می‌برند (ابن ندیم، ۱۳۵۰: ۲۲۶؛ ابن شهر آشوب، بی تا: ۹۸). او در مسائل کلامی همواره پاسخ‌گو و در جدل و مناظره نیز، پیشگام بوده است. به خوبی در مسئله امامت بحث می‌کرده است. گفت‌وگوی او با علی بن عیسی رمانی و دیگر متکلمان و چیرگی بر آنان، از دانش بالای وی حکایت دارد (حموی، ۱۴۲۰، ج ۵: ۱۶۴ و ۱۶۶). وی در مباحثات علمی از مزاح و کارهای عوامانه برای القای مقصود خویش هیچ ابایی نداشته است (همان: ۱۶۴). از این رو در بحث با اشعری دربارهٔ اختیار، سبلی به صورت وی می‌زند و در برابر اعتراض و خشم اشعری می‌گوید: این کار خداوند بود اگر چنین نظری نداری، دیهات را می‌پردازم! و در مناظره با بعضی از جبریان نیز چنین رفتاری از او مشاهده می‌شود (همان: ۱۶۴ و ۱۶۶).

ناشی با همه تبحرش در کلام، گویا در علم فقه از اجتهاد و استنباط دوری ورزیده و طبق فقهای ظاهرگرا عمل می‌کرد (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۵۳). هر چند او کتاب‌های زیادی را تألیف کرد (ابن خلکان، بی تا، ج ۳: ۳۶۹)، ولی فهرست‌نگاران تنها از کتاب الامامة وی سخن به میان می‌آورند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۷۱).

۷. ابو عبدالله صفوانی

محمد بن احمد بن صفوانی از علمای فرهیخته و فاضل شیعه و از نوادگان صفوان جمال، صحابی امام صادق ۷ است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۹۳) که در مباحثات کلامی تألیفاتی دارد. او در بغداد زندگی می‌کرد (طوسی، ۱۴۱۵، ۴۴۳) و تا سال ۳۵۲ق نیز در قید حیات بوده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۵۹). برخی می‌گویند وی از نعمت خواندن و نوشتن محروم بوده، از این رو به دلیل حافظه قوی، دانستی‌های خویش را املاء می‌نمود (ابن ندیم، ۱۳۵۰: ۲۴۷؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۲۰۸). صفوانی از مشایخ بزرگی چون علی بن ابراهیم و دیگران بهره برده (زنجان، ۱۳۹۴، ج ۲: ۶۷۱) و





همچنین کسانی مانند شیخ مفید، حسین بن عبیدالله غضائری، از او استفاده کرده‌اند (همان). از ابو عبدالله صفوانی روایات زیادی در منابع حدیثی شیعه یافت نمی‌شود و بیشتر موضوعات غیبت (طوسی، ۱۴۱۱(الف): ۳۹۴)، معجزات معصومین (همان: ۳۱۰ و ۳۱۵)، زیارت (طوسی، ۱۴۱۱(ب): ۷۱۷) و احادیث اثنی عشر (خزاز، ۱۴۰۱: ۲۸، ۳۴ و ۷۳) را در بر دارند. رجال‌شناسان متقدم شیعه بر وثاقت وی تأکید دارند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۸۳)، البته ابن غضائری روایات او از پدرش را نمی‌پذیرد (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۱۲۶).

صفوانی تألیفات متعددی را از خود برجای گذاشت که برخی از آنها تا زمان ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق) (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۲: ۲۰۵، ۳۰۹ و ۳۱۶) و ابن ادریس (م ۵۹۸) (ابن ادریس، ۱۴۱۱: ۶۳۹) موجود بوده است. آثار کلامی او عبارتند از: الرد علی الواقفه، الرد علی ابن رباح الممطور، عمر بن رباح صحابی امام صادق و امام کاظم ع که فرزندانش همگی از فرقه واقفیه پیروی می‌کردند، احتمال می‌رود این کتاب در رد محمد بن علی بن رباح باشد که تقریباً معاصر صفوانی زندگی می‌کرده و طوسی او را «شدید العناد» معرفی می‌کند (طوسی، ۱۴۱۵: ۴۱۶)؛ الغیبه و کشف الحیره؛ الکشف والحجه؛ الرد علی اهل الاهواء؛ الردعه والنهی عن کل بدعه و الامامة (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۹۳؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۲۰۸).

۸. ابوالجیش بلخی

مظفر بن محمد بن احمد خراسانی از دانشوران متکلم و محدث شیعی است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۲۲). با توجه به مشایخ و شاگردان بغدادی‌اش می‌توان دریافت او در شهر بغداد می‌زیسته است. گویا در آن جا به شغل و راقی نیز اشتغال داشته (مفید، ۱۴۱۴(ب): ۳۱۰؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۷۹) و در سال ۳۶۷ق در آن شهر وفات یافته است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۲۲). وی از شاگردان ویژه ابوسهل نوبختی (م ۳۱۱) متکلم بنام شیعه به شمار می‌رفته (طوسی، ۱۴۱۷: ۲۵۱) و از کسانی چون ابوعلی اسکافی نیز استفاده کرده است (زنجانی، ۱۳۹۴: ۸۲۷). شیخ مفید به واسطه ابویاسر طاهر از شاگردان او به شمار می‌رود (ابن ادریس، ۱۴۱۱: ۶۴۸). برخی او را انتقال دهنده اندیشه ابوسهل نوبختی به پسینیان به ویژه شیخ مفید می‌دانند (مکدموت، ۱۳۷۲: ۱۵). ابوالجیش افزون بر دانش فراوان تبحر خاصی در مناظره داشته است؛ گفت‌وگوی معروف وی در دربار عزالدوله دیلمی در حضور بزرگانی مانند علی بن عیسی رمانی و ابو عبدالله بصری و در ماندگی حاضران از پاسخ، یکی از آن نمونه‌هاست (ابوحیان توحیدی، ۱۴۱۲: ۲۰۲-۲۰۷).

با آن که ابوالجیش را عالم و عارف به احادیث دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۱۷: ۲۵۱). لیکن روایات

محدودی از او عمدتاً در اثبات حقانیت و فضیلت امام علی 7 (مفید، ۱۴۱۴(الف)، ج: ۱، ۲۹، ۴۳، ۴۶ و ۴۷؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۹۴، ۲۲۹، ۲۳۲، ۲۳۳) و نیز در موضوعات اخلاقی و تربیتی (مفید، ۱۴۱۴(ب): ۳۱۰ و ۳۵۰؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۷۹، ۱۲۵ و ۱۶۵) و تاریخی (مفید ۱۴۱۴(الف)، ج: ۱، ۲۹؛ طوسی، ۱۴۱۴، ۲۳۸) از او باقی مانده است. به نقل از نجاشی و طوسی به واسطه شیخ مفید مصنفات ابوالجیش عبارتند از:

۱. النکت والاعراض فی الامامة؛ ۲. المثالب که به نام قد فعلت فلا نلم نیز خوانده می شود که در مذمت خلفای نخستین و بنی امیه بوده است؛ ۳. نقض العثمانیه علی الجاحظ؛ ۴. الرد علی من جوز القدیم البطلان؛ ۵. الانسان و أنه غیر هذه الجملة؛ ۶. کتاب مجالسة مع المخالفین فی معان مختلفه؛ ۷. الارزاق و الاجال؛ ۸. نقض ما روی من مناقب الرجال (طوسی، ۱۴۱۷: ۲۵۱؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۲۲)، ظاهراً در این کتاب فضایل ادعایی برخی از صحابه را به چالش کشیده است و ۹. خصال الکمال (ابن شهر آشوب، بی تا: ۱۵۹) با توجه به این که ابن شهر آشوب پاره ای از مطالب این کتاب را در مناقب آل ابی طالب ذکر کرده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج: ۱، ۳۵۶) می توان دریافت این اثر در رابطه با ویژگی های برجسته حضرت امیر 7 نگاشته شده است.

۹. طاهر غلام ابوالجیش

ابویاسر معروف به غلام ابوالجیش از متکلمان امامیه است و درباره وی گزارش های پراکنده و اندک در برخی از منابع موجود است. ابن ندیم او را در زمره دانشمندان متکلم امامی قرار می دهد (ابن ندیم، ۱۳۵۰: ۲۲۶). شیخ طوسی نیز او را متکلم و از شاگردان ابوالجیش (م ۳۶۷) معرفی می کند (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۴۹).

شیخ مفید در نزد ابویاسر در محله باب خراسان بغداد تحصیل را آغاز کرد (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۰۸) و با راهنمایی وی برای فراگیری علم کلام و تکمیل معلومات به درس علی بن عیسی رمانی معتزلی عازم شد (ابن ادریس، ۱۴۱۱: ۶۴۸) و این موضوع از ارتباط وی با اندیشمندان معتزله حکایت دارد.

ابویاسر کتاب هایی را تألیف کرد که شیخ مفید همواره در نزد شاگردانش از آنها یاد می کرد ولی نجاشی (م ۴۵۰ق) تنها از کتاب کلام فی فذک وی نام برده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۰۸).

۱۰. حسن بن حسین نوبختی

حسن بن حسین بن علی نوبخت (م ۳۲۰-۴۰۲ق) یکی از متکلمان امامیه و از تبار خاندان بنی نوبخت است. پدر او در شمار دیران خلافت عباسیان قرار داشت (ذهبی، تذکره الحفاظ: ۱۰۶۲). نوبختی در نزد مشایخ اهل سنت مانند علی بن عبدالله مبشر واسطی و حسین بن اسماعیل





محاملی تلمذ کرد (خطیب، ۱۴۱۷، ج ۷: ۳۰۹-۳۱۰). کسانی چون احمد بن محمد برقانی (م ۴۲۵ق) و عبدالله بن احمد ازهری (م ۴۳۵ق) از شاگردان وی به شمار می‌روند (همان). عالمان اهل سنت با آن که نوبختی را صدوق می‌دانند از او با تعبیر «رافضی ردی المذهب» یاد می‌کنند (همان). وی را به پذیرش دیدگاه معتزلیان نیز متهم کرده‌اند (همان). البته از اندیشه‌های کلامی نوبختی در منابع سخنی به میان نیامده است. با توجه به عمر طولانی‌اش احتمال می‌رود در انتقال میراث علمی آل نوبخت به متکلمان امامی بغداد تأثیر گذار بوده باشد.

۱۱. ابوبکر بغدادی

محمد بن قاسم بغدادی که با محمد بن همام اسکافی (م ۳۳۲) معاصر بوده است در بین رجال‌شناسان تنها نجاشی او را از اهل بغداد و متکلم معرفی می‌کنند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۸۱). دیگر هیچ‌گونه گزارشی از زندگانی و دیدگاه‌هایش در دست نداریم. افزون بر این، از او روایتی در متون روایی شیعه به چشم نمی‌خورد. او تنها یک اثر و آن هم کلامی به نام الغیبه از خود برجای گذاشته است که نجاشی بدان اشاره می‌کند (همان).

۱۲. فضل بن عبدالرحمن بغدادی

از متکلمان چیره دست شیعه که نیک در علم کلام مهارت داشته است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۰۷). از ولادت و وفات و نیز محل زندگی و افکارش هیچ گزارشی در دست نیست. تنها نجاشی می‌نویسد: او کتاب نسبتاً بزرگی درباره امامت نگاشته که در نزد حسین بن عبیدالله غضایری موجود بوده است (همان).

متکلم - محدثان

۱. ابن سعدان سامرائی

هارون بن مسلم بن سعدان، از اصحاب امام هادی و امام عسکری ۸ و از محدثان امامیه به شمار می‌آید. بنابر نقل نجاشی، او اصالتاً اهل انبار عراق بود و در شهر سامرا اقامت داشته است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۳۸)، ولی شیخ طوسی اصل وی را کوفی می‌داند که در بصره و پس از آن در بغداد سکونت گزیده بود (طوسی، ۱۴۱۵: ۴۰۳). روایت ابن سعدان از روایان متقدم مانند ابن ابی عمیر و مسعد بن صدقه از طریق کتاب‌هایشان بوده است (زراری، ۱۳۹۹: ۹۰؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۹۵ و ۴۱۵؛ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۶: ۳۶۶). کسانی همچون سعد بن عبدالله (م ۳۰۱) و ابوالعباس حمیری از او روایت کرده‌اند (خدایمان، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۶۸). او از سوی برخی رجال‌شناسان فردی موثق معرفی

شده و در عین حال به گرایش به جبر و تشبیه نیز متهم گردیده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۳۸).
 احادیث ابن سعدان در زمینه‌های فقهی (برقی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۳۰۵؛ حمیری، ۱۴۱۳: ۱۵۹؛ طوسی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۸)، اخلاقی و تربیتی (صدوق، ۱۴۱۷: ۸۴، ۱۸۰ و ۳۳۹؛ همو، ۱۴۰۳: ۲۶، ۶۰، ۸۵؛ همو، ۱۳۶۸: ۴۲) و در موضوعات عقیدتی چون قضا و قدر (صدوق، ۱۳۹۷: ۳۷۱)، نهی از کلام و جدال (همان: ۴۶۰)، مذمت قیاس، اجتهاد به رأی (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۵۷ و ۵۴)، تقیه (همان، ج ۲: ۲۱۹) و... در مصادر روایی فراوان است. تنها نجاشی به اسنادش بعضی از کتاب‌های او از جمله التوحید را نقل می‌کند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۳۸).

۲. معلی بصری

معلی بن محمد زیادی بصری از علمای امامیه می‌باشد که از آثار کلامی و روایات اعتقادی وی در منابع سخن به میان آمده است. از محل سکونتش اطلاعی در دست نیست، ولی به دلیل نسبت بصری‌اش احتمال می‌رود در عراق به سر می‌برده است. از آن‌جا که کلینی (متوفای ۳۲۹) با یک واسطه از او روایت نقل می‌کند می‌توان احتمال داد که ایشان در نیمه دوم سده سوم زندگی می‌کرده است.

نجاشی معلی را «مضطرب الحدیث والمذهب» خوانده و در عین حال آثار وی را خالی از سلامت نمی‌داند (نجاشی ۱۴۰۷: ۴۱۸). ابن غضائری نیز می‌نویسد: احادیث معلی بصری از صحت و سقم برخوردار است، بنابراین روایات وی باید با کمک قراین دیگر مورد سنجش قرار بگیرد (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۹۲). با این همه، منقولات بصری در زمینه‌های فقه (طوسی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۴۴ و ج ۳: ۳۹ و ۱۸۰)، عقاید (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۴۵ و ۱۴۸؛ ج ۲: ۱۳؛ صدوق، ۱۳۹۸: ۳۳۴)، مناقب (طبری، ۱۴۱۳: ۴۱۴ و ۴۲۷؛ صدوق، بی‌تا، ج ۴: ۱۷۹)، رد بر مخالفان (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲: ۹۸) و... قابل توجه است، به گونه‌ای که کلینی برخی از ابواب کافی را به طور کلی (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۱۷) یا بخش زیادی (همان، ج ۱: ۴۱۲) را به احادیث او اختصاص داده است. بصری از راویان موثق شیعه مانند حسن بن علی الوشاء و افراد ضعیفی چون احمد بن محمد سیاری حدیث نقل می‌کند (خدایان، ۱۳۸۹، ج ۲: ۷۹۸). منقولات وی فقط در نزد چند راوی قمی خصوصاً حسین بن محمد بن عامر مورد اقبال قرار گرفته و کلینی نیز تمام روایات معلی را از طریق ابن عامر نقل می‌کند. از بصری اخباری راجع به امور اعتقادات از قبیل توحید (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۴۵ و ۱۸۰)، نفی جبر (همان، ج ۱: ۱۵۶ و ۱۵۷)، ایمان (همان، ج ۲: ۵۱ و ۵۱)، نهی از جدال از کلام درباره خداوند (صدوق، ۱۳۹۸: ۴۵۰)، اراده و مشیت بدا (همان: ۳۳۴؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۴۸)، امامت و ابواب آن (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۷۲، ۳۴۸ و صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۴۶) و شفاعت (طوسی ۱۴۱۴: ۶۷) در متون حدیثی موجود است که در مجموع مسائل





پیرامون امامت از سهم بیشتری برخوردار هستند.

برای بصری تألیفات اندکی ذکر کرده‌اند که چند اثر با توجه به عناوین شان مربوط به مباحث کلامی و عقایدی می‌باشند: الکفر و وجوه؛ الایمان و درجاته و زیاده و نقصانه؛ الامامه و کتاب الدلائل (طوسی، ۱۴۱۷: ۲۴۷؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۱۸).

۳. سَمَانِ هَمْدَانِی

محمد بن موسی بن عیسی معروف به سَمَانِ هَمْدَانِی از جمله عالمان امامیه به شمار می‌رود که در زمینه برخی از مسائل کلامی تألیف داشته است. او از روایانی عراقی مانند محمد بن عیسی بن عبید و ابن ابی الخطاب (م ۲۶۲) روایت نقل می‌کند و روایانی عمدتاً قمی چون احمد بن ابی عبدالله برقی (م ۲۸۰) از او حدیث فرا گرفته‌اند (زنجانی، ۱۳۹۴: ۷۹۴-۷۹۵). وی اصالتی همدانی داشته است (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۵۶۷)، ولی محل سکونتش معلوم نیست. با توجه به زندگانی مشایخ و شاگردانش می‌توان گفت او در آستانه غیبت صغری و در عراق می‌زیسته است.

محدثان و رجال‌شناسان، سَمَانِ هَمْدَانِی را به سبب غلو فردی ضعیف معرفی می‌نمایند و همچنین او را به وضع حدیث (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۳۸) و اصول (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۳۰) نیز متهم می‌کنند، در حالی که وی در رد غلو و غالیان به نقل روایت (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۸۴۲) و تألیف کتاب دست یازیده است.

هرچند از دیدگاه کلامی سَمَانِ هَمْدَانِی آگاهی کاملی نداریم، ولی او از تقابل آراء کلامی هشام بن حکم و هشام بن سالم - دو متکلم برجسته شیعه - سخن به میان می‌آورد (همان: ۵۶۴ و ۵۶۷) و به مذمت افکار هشام بن سالم و تأیید اندیشه هشام بن حکم اشاره می‌کند (همان، ج ۲: ۵۶۷). افزون بر این، او در دفاع از یونس بن عبدالرحمن از شاگردان هشام بن حکم نیز روایت نقل می‌کند (همان: ۷۸۱). از این رو، او را باید در امتداد خط هشام در عراق قرار داد. به نظر می‌رسد محمد بن عیسی بن عبید از شاگردان یونس واسطه ارتباطی سمان با جریان کلامی هشام بن حکم بوده است (همان).

هرچند طوسی در فهرست اثری برای وی ذکر نمی‌کند، ولی نجاشی دو کتاب از او نام می‌برد که فقط کتاب الرد علی الغلاة عنوان کلامی دارد (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۳۸).

۴. ابوالعزاقر شَلْمَغَانِی

محمد بن علی شلمغانی زمانی از علمای مشهور امامیه محسوب می‌شد (ابن ندیم، ۱۳۵۰: ۲۲۵) که در دوران غیبت صغری در بغداد با حسین بن روح نوبختی نایب سوم اختلاف پیدا کرد

(نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۷۸)؛ لذا از جانب بسیاری از شیعیان طرد گردید و مورد نکوهش قرار گرفت (طوسی، ۱۴۱۱(الف): ۳۹۱). برخی گفته‌اند او ادعاهای باطلی نیز مطرح کرده است که این امر سبب شد در سال ۳۲۳ به دست خلیفه عباسی کشته شود (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۷۸؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۱۴: ۵۶۷). شلمغانی در دوران سلامت عقیده روایاتی را نقل و کتاب‌هایی نیز تألیف کرد (ابن شهر آشوب، بی تا: ۱۳۹) که مورد اقبال جامعه امامیه قرار گرفت، به گونه‌ای که کتاب‌های او در بسیاری از منازل شیعیان یافت می‌شد (طوسی، ۱۴۱۱(الف): ۳۸۹)، به ویژه کتاب فقهی التکلیف او که تأیید حسین بن روح را به همراه داشت (همان: ۴۰۹) و حتی مدت‌ها پس از مرگ شلمغانی در دوران سید مرتضی درباره عمل به محتوای این اثر گفت‌وگو بوده است (مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۲۷۹). روایات او درباره موضوعاتی چون عالم ذر (حلی، بی تا: ۱۶۱) و فضایل امامان (طبری، ۱۴۱۳: ۱۸۹، ۲۹۶، ۳۲۶ و ۴۰۱) در منابع روایی یافت می‌شود.

نجاشی تعداد ۱۶ اثر برای شلمغانی برمی‌شمارد که برخی از آنها پیرامون اعتقادات است: ۱. البرهان و التوحید؛ ۲. ماهیه العصمة؛ ۳. البدا و المشیئه؛ ۴. الامامة الکبیر؛ ۵. الامامة الصغیر و ۶. الزاهر بالحجج العقلیه (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۷۸).

نجاشی بیشتر تألیفات وی را نقل می‌کند، ولی شیخ طوسی غیر از کتاب التکلیف از سایر مصنفات شلمغانی نام نمی‌برد، البته در الغیبه خویش از کتاب الغیبه شلمغانی سخن به میان آورده است (طوسی، ۱۴۱۱(الف): ۳۹۱).

۵. ابن ابی هراسه

احمد بن نصر (هوذه) بن سعید معروف به ابن ابی هراسه از روایان و نویسندگان امامیه است که در عراق می‌زیسته و در سال ۳۳۳ق در نهروان در گذشته و در آنجا نیز به خاک سپرده شد (طوسی، ۱۴۱۵: ۴۰۹).

ابن ابی هراسه میانه خوبی با محدثان برجسته عراقی و قم نداشته است. لذا اغلب روایات وی از ابراهیم بن اسحاق نهاوندی و همچنین از احمد بن حسین اهوازی است (زنجان، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۹۱). دل بستگی و اهتمامش به منقولات ابراهیم بن اسحاق نهاوندی حتی او را به نهاوند موطن استادش نیز کشاند (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۷۹ و ۴۸۱ و ۴۹۵). روایانی از شیعه چون ابوطالب انباری و محمد بن ابراهیم نعمانی (زنجان، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۹۱) و از اهل سنت مانند معافی ابن ذکریا از او روایت می‌کنند (خطیب، ۱۴۱۷، ج ۵: ۳۹۱ و ۴۰۸).

احادیث ابن ابی هراسه بیشتر پیرامون مسائل اخلاقی (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۸۱ و ۴۹۵)، امامان اثناعشر (خزاز، ۱۴۰۱: ۲۰ و ۱۸۲)، غیبت و آخر الزمان (نعمانی، ۱۴۲۲: ۶۵، ۱۶۳، ۱۶۵، ۲۱۷، ۲۴۵)، ایمان و عالم ذر



۷۴



(حلی، بی تا: ۱۷۳ و ۲۱۰)، ولایت اهل بیت (طوسی، ۱۴۱۴: ۶۸۸) می باشد. نجاشی در رجال خویش از ابن ابی هراسه نامی نمی برد، ولی شیخ در فهرست از کتاب الایمان والکفر و التوبه ایشان سخن به میان می آورد (طوسی، ۱۴۱۷: ۲۸۲). گویا این کتاب در نزد حسن بن سلیمان حلی (زنده ۸۰۲ق) موجود بوده است (حلی، بی تا: ۱۷۳ و ۲۱۰).

۶. ابن شَمون

حسین بن قاسم بن شَمون کوفی از تبار خاندان معروف شمون است که در کوفه سکونت داشته اند (ابن شهر آشوب، بی تا: ۷۸). با توجه به نقل ابوطالب انباری (م ۳۵۶) از او (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۳۶)، معلوم می شود ایشان در دوران غیبت صغری زندگی می کرده است. نجاشی پدرش را از بزرگان امامیه معرفی می کند (همان: ۶۶). غضایری نیز وی را موثق دانسته است (ابن غضایری، ۱۴۲۲: ۱۱۰). طوسی در دو کتاب فهرست و رجال نامی از او نمی برد. نجاشی دو کتاب به وی نسبت می دهد که کتاب التوحید او کلامی است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۶۶).

۷. ابوطالب انباری

عبیدالله بن احمد معروف به ابوطالب انباری، متکلم و محدث شیعه است که در واسط عراق سکونت داشته و در سال ۳۵۶ق نیز در آن شهر در گذشته است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۳۲). فهرست نگاران تألیفات کلامی قابل توجهی برای وی ذکر کرده اند. او در نزد مشایخ شیعه چون حمید بن زیاد واقفی (خدایان، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۳۰۲) و از اساتید اهل سنت چون ابن ابی داوود سجستانی بهره برده است (ابن نجار، ۱۳۱۷، ج ۲: ۲۰). و افرادی مانند ابن عبدون (نجاشی، ۱۴۰۷: ۶۶، ۶۲ و ۹۲) در نزد وی تلمذ کرده اند.

روایات اندکی از وی در موضوعات فقهی (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۶: ۷۶، ج ۹ ص ۲۴۸، همو، ۱۴۰۷، ج ۴: ۶۶ و ۶۷)، مناقب و فضایل (طبری، ۱۴۱۳: ۴۱۶ و ۴۱۷) در مصادر روایی امامیه باقی مانده است.

بنابر گواهی معاصرانش، بیشتر عمر خویش را در مذهب واقفیه سپری کرد ولی در اواخر زندگی به امامیه پیوست (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۳۲)، علی رغم پیوستن انباری به امامیه، امامیان بغداد به دلیل اتهام غلو او را نپذیرفته و مورد بی مهری قرار دادند، به گونه ای که اصرار حسین بن عبیدالله غضایری جهت استماع در نزد انباری به دلیل عدم رضایت شیوخ شیعه بغداد بی نتیجه ماند (همان: ۲۳۲ و ۲۳۳).

طوسی در رجال در یک جا او را تضعیف (طوسی، ۱۴۱۵: ۴۳۴) و در جای دیگر درباره اش سکوت کرده است (همان: ۴۳۲)، البته نجاشی در ضمن تأیید وثاقت اش برخی از مصنفات

امامیه از جمله متون کلامی را از طریق وی نقل کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۳۲ و ۴۱۳).
 انباری ۱۴۰ رساله و کتاب در مباحث گوناگون از خود برجای گذاشت (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۶۹).
 اسامی تعدادی از تألیفات او که عنوان عقیدتی دارند عبارتند: المطالب الفللسفیه؛ البيان عن
 حقيقة الانسان؛ الشافي في علم الدين؛ التوحيد والعدل والامامة؛ الابانه عن اختلاف الناس في الامامة؛
 الانتصار للشيخ من اهل البدع که طوسی آن را با عنوان الانتصار ذکر می کند و کتاب التفضیل
 (ابن ندیم، ۱۳۵۰: ۲۴۷؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۱۶۹؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۳۳).

۸. ابوالقاسم کوفی

علی بن احمد علوی عالم پر تألیف شیعه، که در زمینه کلام کتاب‌های قابل توجهی را
 نگاشته است. از تاریخ ولادت و زندگی اش چیز زیادی در دست نیست، تنها می دانیم که
 اهل کوفه بوده و در سال ۳۵۶ در منطقه کرمی بین فسا و شیراز در گذشته است (نجاشی، ۱۴۰۷:
 ۲۶۵-۲۶۶). از این رو، می توان گفت او بخش پایانی عمر خویش را در فارس سپری کرده
 است ابن ندیم ایشان را از افاضل عالمان امامیه بر شمرده است (ابن ندیم، ۱۳۵۰: ۲۴۳)، ولی برخی
 از علمای شیعه بر این باورند که او ابتدا در خط صحیح تشیع قرار داشته لیکن در اواخر عمر
 منحرف شده و به غلو گرایش پیدا کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۶۵) تا جایی که شیخ طوسی وی
 را جزء فرقه مخمسه قرار می دهد (طوسی، ۱۴۱۷، ۱۵۵؛ هسو، ۱۴۱۵: ۴۳۴). برخی نیز نسب علوی او را
 مورد تردید قرار می دهند (ابن غضایری، ۱۴۲۲: ۸۲؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۶۵).

از مشایخ کوفی غیر از علی بن ابراهیم کسی شناخته نیست و کسانی چون ابو عمران
 کرمانی و تلکبری از او روایت می کنند (زنجانی، ۱۳۹۴، ج ۲: ۵۱۳). از منقولات وی در مصادر
 روایی چیزی دیده نمی شود. فقط شیخ صدوق دو روایت درباره رؤیت امام زمان ۷ از
 شخصی به نام علی بن احمد خدیجی کوفی با یک واسطه نقل می کند (صدوق، ۱۴۰۵: ۴۴۳ و ۴۴۴)
 که برخی این راوی را به ابوالقاسم کوفی یاد شده تطبیق می دهند (زنجانی، ۱۳۹۴، ج ۲: ۵۱۳).
 با بررسی عناوین بسیاری از آثار کوفی در می یابیم که او در موضوعات گوناگون و مهم
 عقیدتی و عقلی صاحب رأی و نظر بوده است. او با نگارش کتاب‌های فراوان، بسیاری از
 گروه‌های اسلامی مخالف امامیه مانند معتزله، اسماعیلیه و حتی جریانات غیر اسلامی مانند
 هندوها را نقد کرده است.

ابوالقاسم کوفی آثار زیادی بر جای گذاشت که طوسی عمده آنها را قابل اعتماد
 می داند (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۵۵)، ولی نجاشی درباره تألیفاتش می نویسد: «صنّف کتباً کثیرة اکثرها





علی الفساد» (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۶۵) با توجه به این که به عقیده نجاشی، او در اواخر حیات به غلو گراییده، و همچنین از مجموع ۵۰ کتاب کوفی فقط یکی از آنها را نجاشی مخدوش می‌داند و نیز با توجه به صراحت سخن شیخ طوسی، احتمال می‌رود عبارت «اکثرها علی السداد» به اشتباه «اکثرها علی الفساد» از جانب ناسخین کتابت شده است.

عالمان شیعه بغداد از اندیشه‌های کوفی با آن که در دسترس بوده به دلیل اتهام غلو روی برتافتند. این غضائری در این باره می‌نویسد: کتاب‌های زیادی از او دیده‌ام و نباید به وی توجهی کرد (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۸۲). به هر حال، از چرایی و چگونگی گرایش کوفی به غلو گزارشی در دست نیست و هرگونه قضاوت درباره‌ی وی به دلیل اطلاعات ناکافی با مشکل مواجه است.

تألیفات کلامی کوفی عبارتند از: التوحید؛ ۲. الابتداء؛ به نظر می‌آید که درباره‌ی خلقت و آفرینش نوشته شده باشد؛ ۳. الاستدلال فی طلب الحق؛ ۴. تحقیق وجوه المعرفه؛ ۵. الامامه؛ ۶. مختصر فی الامامه؛ ۷. فساد الاختیار، منظور فساد اختیار مردم در امر امامت است؛ ۸. الراعی والمرعی ظاهراً موضوعش امامت و رهبری بر مردم بوده است؛ ۹. الرد علی من یقول ان المعرفه من قبل الموجود؛ ۱۰. الرد علی اصحاب الاجتهاد فی الاحکام؛ ۱۱. الرد علی الزیدیه؛ ۱۲. الرد علی ارسطاطالیس؛ ۱۳. الرد علی المثبته؛ ۱۴. الرد علی محمد بن بحر رهنی، رهنی نیز از متکلمان امامیه به شمار می‌رود (طوسی، ۱۴۱۷: ۲۰۸)؛ ۱۵. الرد علی الاسماعیلیه فی المعاد؛ ۱۶. فساد اقاویل الاسماعیلیه؛ ۱۷. فساد قول البراهمه، رد بر اندیشه‌های هندوها؛ ۱۸. تناقض اقاویل المعتزله؛ ۱۹. ابطال مذهب داود بن علی اصفهانی، وی مؤسس مذهب ظاهریه بوده است؛ ۲۰. التبديل والتحریف، این اثر در رد حشویه و اهل حدیث نگاشته شده است (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۳: ۳۱۱)؛ ۲۱. کتاب النفس؛ ۲۲. ماهیه النفس؛ ۲۳. میزان العقل؛ ۲۴. منازل النظر والاختیار؛ ۲۵. الفحص عن مناهج الاعتبار؛ ۲۶. مناهج الاستدلال؛ ۲۷. الرسالة فی تحقیق الدلالة؛ ۲۸. مختصر فی الارکان الاربعه؛ ۲۹. تناقض احکام مذاهب الفاسده، نجاشی فقط به محتوای مخدوش این اثر تصریح می‌کند؛ ۳۰. الاصول فی تحقیق المقالات؛ ۳۱. تحقیق ما الفه البلخی من المقالات؛ ۳۲. تثبیت نبوة الانبیاء؛ ۳۳. البدع المحدثه (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۶۵ و ۲۶۶) که تنها اثر باقیمانده کوفی به شمار می‌آید که اکنون به نام الاستغاثه فی بدع الثلاثة مشهور است (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۲۸).

۹. ابواسحاق الکاتب

ابراهیم بن ابی حفص از اصحاب امام عسکری ۷ به شمار می‌رود (طوسی، ۱۴۱۷: ۴۰؛ نجاشی، ۱۴۰۷:

۱۹. ابن حجر به نقل از طوسی درباره او می نویسد: «... كان مقبول القول ما رایت اعقل منه ولا أحسن من حدیثه» (ابن حجر، ۱۳۹۰، ج ۱: ۴۹). علی رغم این سخنان تمجیدآمیز در مصادر روایی هیچ حدیثی از او دیده نشده و حتی طوسی نام او را در رجال خود ذکر نکرده است. ابواسحاق کتاب‌هایی را به رشته تحریر درآورد (طوسی، ۱۴۱۷: ۴۰) که فهرست‌نگاران فقط از یک کتاب او سخن به میان می‌آورند. نجاشی آن اثر را به اسم کتاب الرد علی الغالیه و ابی الخطاب (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۹) و طوسی آن را به نام کتاب الرد الغالیه و ابی الخطاب و اصحابه ذکر می‌کنند (طوسی، ۱۴۱۷: ۴۰).

۱۰. ابوالفتح دلفی

هلال بن ابراهیم دلفی از نویسندگان امامیه است که در زمینه مباحث کلامی تألیف دارد. از محل سکونت و مدت زندگی وی اطلاعاتی در دست نیست. نجاشی وی را محدثی ثقه معرفی می‌کند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۴۰).

رجال‌شناسان او را در طبقه ۲۴ و در ردیف کسانی همچون ابراهیم بن اسحاق احمری (زنده ۲۶۹ق) جای داده‌اند (بروجردی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۲۶۴). از این رو می‌توان دریافت وی در عصر غیبت صغری زندگی می‌کرده است.

نجاشی فقط یک اثر به دلفی نسبت می‌دهد که آن کتاب الرد علی من رد آثار الرسول واعتمد نتائج العقول نام دارد (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۴۰). از عنوان این کتاب برمی‌آید دلفی با عقل‌گرایی برخی از عالمان میانه خوبی نداشته است.

۱۱. ابوالقاسم بجلي

جعفر بن محمد بجلي کوفی از تبار خاندان برجسته «رباط بجلي» است که راویان و فقهای برجسته‌ای از این خانواده برخاسته‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۶، ۲۵۱، ۳۵۶، ۳۹۳ و ۴۴۸). از زندگی و افکار ابوالقاسم بجلي به جهت نبود گزارش اطلاع زیادی نداریم. از آن جا که ابو عبدالله صفوانی (زنده ۳۵۲) از او روایت کرده (همان: ۱۲۱) می‌توان دریافت او در اواخر غیبت صغری زندگی می‌کرده است.

شیخ طوسی در آثارش از او نامی به میان نمی‌آورد و در مصادر روایی نیز روایتی از او دیده نمی‌شود، ولی نجاشی سه اثر برای وی برمی‌شمارد که دو کتاب وی عنوان کلامی دارند که عبارتند از: کتاب الرد علی الواقفه و کتاب الرد علی الفطحيه (همان).





جمع‌بندی

آنچه که در این مقاله به دست آمد این است که در فاصله میان دو مکتب کلامی پر رونق و شکوفای کوفه و بغداد - از غیبت صغری تا عصر شیخ مفید - هر چند کلام امامیه از مکتب کلامی منسجم و متمرکز برخوردار نبوده است، ولی در این محدوده زمانی متکلمان امامی در مناطق مختلف جهان اسلام به ویژه در عراق و شهر بغداد به رسالت خویش در عرصه اعتقادات و کلام ادامه می‌دادند، حتی در راستای تبیین و دفاع از اصول و عقاید شیعه گام برداشته و برای رفع دغدغه‌های جامعه آن روز در موضوعات گوناگون نظریه‌پردازی می‌کردند و در برابر جریان‌های فکری مخالف - همچون معتزله و غالیان - موضع‌گیری می‌کردند که این امر در بررسی اندیشه و عناوین آثار آنان به خوبی مشهود است. متکلمان امامی در این عصر از طیف‌های مختلف بودند، برخی از آنان مانند ابوالجیش، ناشی اصغر و ابن جبرویه با توجه به اندیشه و تألیف‌هایشان در طیف عقل‌گراها و متکلمان نظریه‌پرداز قرار داشته‌اند. در مقابل، طیفی از متکلمان امامی قرار دارند که در قالب روایات به مباحث کلامی می‌پرداختند.

در این دوره شخصیت‌هایی مانند ابن جبرویه حضور داشتند که مقالات‌نگاران برخی از نظرات وی را در کنار آراء اندیشمندانی همچون هشام بن حکم قرار داده‌اند. تنها چند نفر محدود از اندیشمندان مسلمان در این دوره نقد افکار ارسطو کتاب تألیف کردند که یکی از آن نوشته‌ها، مربوط به ابوالقاسم کوفی (م ۳۵۶ق) متکلم برجسته امامیه است. در این بازه زمانی عده‌ای از اندیشوران امامی با متکلمان گروه‌های مختلف مانند معتزله، مناظره و مراوده علمی داشته‌اند و حتی در تغییر آراء برخی از آنها نیز نقش‌آفرین بوده‌اند، مانند تأثیرگذاری شگرف ابن جبرویه امامی بر تغییر عقیده ابن مملک اصفهانی معتزلی. از مجموع قراین به دست می‌آید که در این عصر، اندیشه ورزان امامیه، فعال و در انتقال میراث علمی شیعه به نسل بعدی به ویژه مکتب پرآوازه بغداد سهم بسزایی داشته‌اند؛ هر چند به دلیل فقدان نوشته‌ها و آثار آنان نقش‌شان کم‌رنگ جلوه می‌نماید.

به نظر می‌رسد رویکرد و پی‌ریزی ادبیات نوین کلامی سید مرتضی - یکی از پرچمداران مهم مدرسه بغداد - در بی‌توجهی به مبانی کلامی گذشتگان و عدم توجه به آثارشان تأثیرگذار بوده است. احتمالاً از همین رو، برخی از آثار کلامی شیخ مفید به عنوان میراث‌دار اندیشه‌های عالمان گذشته، مانند کتاب الارکان فی الدعائم الدین و الکامل فی علوم الدین نیز از بین رفته‌اند.

کتابنامه

۱. ابن ادريس، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق)، السرائر، قم: نشر الاسلامی، چاپ دوم.
۲. _____ (۱۴۱۱ق)، مستطرفات السرائر، تحقيق: لجنة التحقيق، قم: نشر الاسلامی.
۳. ابن حجر، احمد بن علی (۱۳۹۰ق)، لسان الميزان، بيروت: اعلمی، چاپ دوم.
۴. ابن حزم، علی بن احمد (۱۴۱۶ق)، الفصل، تعليق؛ احمد شمس الدين، بيروت: دارالکتب العلمیه.
۵. ابن خلکان، احمد بن محمد (بی تا)، وفيات الاعيان، تحقيق: احسان عباس، بيروت: دارالثقافه.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی تا)، معالم العلماء، تحقيق: محمد صادق بحر العلوم، بيروت: دارالاضواء.
۷. _____ (۱۳۷۶ق)، مناقب آل ابی طالب، تحقيق: لجنة من الاساتذ، نجف: مطبعه الحیدریه.
۸. ابن عماد حنبلی، عبدالحی (۱۴۱۱ق)، شذرات الذهب، تحقيق: محمود الأرناؤوط، دمشق: دار ابن کثیر.
۹. ابن غضایری، احمد بن حسین (۱۴۲۲ق)، رجال، تحقيق: محمدرضا جلالی، قم: دارالحديث.
۱۰. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۴۱۷ق)، کامل الزیارات، تحقيق: جواد قیومی، قم: نشر الفقاهه.
۱۱. ابن مرتضی، احمد بن یحیی (بی تا)، طبقات المعترله، تحقيق: سوسنه دیفلد، بيروت: دارالمکتبه الحیاه.
۱۲. ابن نجار، محمد بن محمود (۱۴۱۷ق)، ذیل تاریخ بغداد، تحقيق: مصطفی عبدالقادر، بيروت: دارالکتب العلمیه.
۱۳. ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۵۰)، فهرست، تحقيق: رضا تجدد، بی جا.
۱۴. ابو حیان توحیدی، علی بن محمد (۱۴۱۲ق)، اخلاق الوزیرین، تحقيق: محمد بن تاویت الطنجی، دمشق: دار صادر.
۱۵. اردبیلی، محمد بن علی (بی تا)، جامع الرواة، اردبیل: مکتبه المحمدی.
۱۶. اشعری، علی بن اسماعیل (۱۴۰۰ق)، مقالات الاسلامیین، آلمان: فرانس شتاينر، چاپ سوم.
۱۷. بحر العلوم، محمد مهدی (۱۳۶۳)، فوائد الرجالیه، تحقيق: محمد صادق بحر العلوم، تهران: مکتبه الصادق.





۱۸. برقی، احمد بن ابی عبدالله (۱۳۷۰)، المحاسن، تحقیق: جلال الدین ارموی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. بروجردی، علی (۱۴۱۰)، طرائف المقال، تحقیق: مهدی رجایی، قم: مکتبه مرعشی نجفی.
۲۰. تنوخی، محسن بن علی (۱۳۹۳)، نشوار المحاضره، تحقیق: عبود الشالجبی، بی جا.
۲۱. تهرانی، شیخ آقا بزرگ (۱۴۰۳)، الذریعه، بیروت: دار الاضواء، الطبعة الثالثة.
۲۲. حلی، حسن بن سلیمان (بی تا)، مختصر البصائر الدرجات، تحقیق: مشتاق المظفر، بی جا.
۲۳. حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۴۲۰)، معجم الادباء، تحقیق: عمر فاروق، بیروت: موسسه المعارف.
۲۴. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳)، قرب الاسناد، قم: آل البیت ::
۲۵. حمیری، ابوسعید بن نشوان (۱۹۷۲م)، الحور العین، تحقیق: کمال مصطفی، تهران.
۲۶. خدامیان، مهدی (۱۳۸۹)، فهارس الشیعه، قم: تراث الشیعه.
۲۷. خراز، علی بن محمد (۱۴۰۱)، کفایة الاثر، تحقیق: عبداللطیف کوه کمری، قم: بیدار.
۲۸. خطیب، احمد بن علی (۱۴۱۷)، تاریخ بغداد، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۹. ذهبی، محمد بن احمد (بی تا)، تذکره الحفاظ، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۰. _____ (۱۴۱۳)، سیر الاعلام النبلاء، تحقیق: شعیب الارنوط، بیروت: الرساله، الطبعة التاسعه.
۳۱. _____ (۱۴۰۷)، تاریخ الاسلام، تحقیق: عمر عبدالسلام، بیروت: دارالکتاب العربی.
۳۲. زراری، احمد بن محمد (۱۳۹۹)، رساله فی آل اعین، تحقیق: محمد علی ابطحی، بی جا.
۳۳. زنجانی، موسی (۱۳۹۴)، الجامع فی الرجال، ج ۱، قم: پیروز و ج ۲، نسخه خطی موجود در کتابخانه علوم حدیث.
۳۴. شوشتری، محمد تقی (۱۴۱۹)، قاموس الرجال، قم: نشر اسلامی.
۳۵. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۷)، الامالی، قم: مؤسسه البعثه.
۳۶. _____ (۱۳۹۸)، التوحید، تحقیق: هاشم حسینی، قم: جماعة المدرسین.
۳۷. _____ (۱۴۰۳)، النخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جماعة المدرسین.
۳۸. _____ (۱۳۶۸)، ثواب الاعمال، تحقیق: محمد مهدی الخرسان، قم: منشورات الرضی، الطبعة الثانيه.
۳۹. _____ (۱۳۸۵)، علل الشرايع، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، نجف: مکتبه الحیدریه.

٤٠. _____ (١٤٠٤ق)، عيون اخبار الرضا، تحقيق: اعلمي، بيروت: مؤسسه الاعلمي.
٤١. _____ (١٤٠٥ق)، كمال الدين، تحقيق: غفاري، قم: نشر الاسلامي.
٤٢. _____ (بي تا)، من لايحضره الفقيه، تحقيق: علي اكبر غفاري، قم: نشر الاسلامي، چاپ دوم.
٤٣. صفدي، خليل بن ابيك (١٤٢٠ق)، الوافي بالوفيات، تحقيق: احمد الارنووط، بيروت: دار احياء التراث.
٤٤. طبري، محمد بن جرير (١٤١٣ق)، دلائل الامامه، قم: مؤسسه البعته.
٤٥. طوسي، محمد بن حسن (١٤٠٤ق)، اختيار معرفه الرجال، تعليق: ميرداماد، تحقيق: مهدي رجبى، قم: آل البيت.
٤٦. _____ (١٣٦٣)، الاستبصار، تحقيق: حسن خراسان، تهران: دارالكتب الاسلاميه، الطبعة الرابعه.
٤٧. _____ (١٤١٤ق)، الامالى، قم: مؤسسه البعته.
٤٨. _____ (بي تا)، الرسائل العشر، قم: مؤسسه النشر الاسلامي.
٤٩. _____ (١٤١١ق الف))، الغيبه، تحقيق: عبادالله تهراني، قم: معارف الاسلاميه.
٥٠. _____ (١٤١٧ق)، الفهرست، تحقيق: جواد قيومي، قم: نشر الفقاهه.
٥١. _____ (١٣٦٤)، تهذيب الاحكام، تحقيق: حسن خراسان، تهران: دارالكتب الاسلاميه، چاپ دوم.
٥٢. _____ (١٤٠٧ق)، الخلاف، قم: جامعه مدرسين.
٥٣. _____ (١٤١٥ق)، رجال طوسي، تحقيق: جواد القيومي، قم: نشر الاسلامي.
٥٤. _____ (١٤١١ق ب))، مصباح المتهدج، بيروت: فقه الشيعه.
٥٥. علامه حلي، حسن بن يوسف (١٤١٧ق)، خلاصه الاقوال، تحقيق: جواد القيومي، قم: نشر الفقاهه.
٥٦. _____ (١٤١٢ق)، منتهى المطلب، مشهد: البحوث الاسلاميه.
٥٧. كليني، محمد بن يعقوب (١٣٦٣)، الكافي، تحقيق: علي اكبر غفاري، تهران: دارالكتب الاسلاميه، چاپ پنجم.
٥٨. محقق حلي، جعفر بن حسن (١٣٦٤)، المعبر، تحقيق: عدة من الافاضل، قم: سيدالشهدا ٧.
٥٩. مرتضى، علي بن حسين (١٤١٥ق)، الانتصار، قم: نشر الاسلامي.
٦٠. _____ (١٤٠٥ق)، رسائل، تحقيق: احمد حسيني، قم: دار القرآن الكريم.



٦١. مسعودى، على بن حسين (١٤٠٤ق)، مروج الذهب، قم: دارالهجره، الطبعة الثانية.
٦٢. مفيد، محمد بن محمد (١٤١٤ق الف)، الارشاد، تحقيق: آل البيت :، بيروت: دارالمفيد، الطبعة الثانية.
٦٣. _____ (١٤١٤ق ب)، الامالى، تحقيق: حسين استادولى، بيروت: دارالمفيد، الطبعة الثانية.
٦٤. _____ (١٤١٤ق ج)، المسائل السروريه، تحقيق: صائب عبدالحميد، بيروت: دارالمفيد، الطبعة الثانية.
٦٥. _____ (١٤١٤ق د)، المسائل الصاغانيه، تحقيق: محمد قاضى، بيروت: دارالمفيد، الطبعة الثانية.
٦٦. مكدرموت، مارتين (١٣٧٢)، انديشه‌هاى اسلامى شيخ مفيد، ترجمه احمد آرام، تهران: دانشگاه تهران.
٦٧. نجاشى، احمد بن على (١٤٠٧ق)، رجال النجاشى، قم: جامعه مدرسين.
٦٨. نعمانى، محمد بن ابراهيم (١٤٢٢ق)، الغيبه، تحقيق: فارس حسون، قم: انوار الهدى.

